

تدوین راهبردهای مطلوب مدیریت پوشش خبری بحران هسته‌ای برای سیمای برون مرزی جمهوری اسلامی ایران

(با توجه به سناریوی رفع تحریم‌ها)

سعید سرابی*

احمد امین فرد**

چکیده

هدف این تحقیق، دستیابی به مطلوب‌ترین راهبردهای مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای در سیمای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر زیرسیستم سیاسی بحران انرژی هسته‌ای در بُعد بین‌المللی در مرحله پیش از بحران است. با توجه به ارزیابی محیط داخلی و خارجی، سناریوی رفع تحریم‌ها از بین سه سناریوی محتمل برای این تحقیق برگزیده شد. این تحقیق با استفاده از روش دلفی، طی سه مرحله و با بهره‌گیری از الگوی برنامه‌ریزی راهبردی انجام شد. به همین منظور برای دستیابی به اهداف تحقیق از نظرات خبرگان در این حوزه (مدیران ارشد سازمان صداوسیما و وزارت امور خارجه، استادان و نخبگان رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و علوم ارتباطات و مدیریت رسانه) کمک گرفته شد. نتیجه این تحقیق نشان داد راهبردهای رقابتی مناسب‌ترین راهبردها برای سیمای مدیریت پوشش خبری بحران هسته‌ای هستند. در انتها، راهبردهای رقابتی تدوین‌شده برای سیمای برون‌مرزی اولویت‌بندی شدند و مهم‌ترین راهبرد این تحقیق «فرهنگ‌سازی در مورد تبدیل موضوع هسته‌ای به موضوعی فرا جناحی، ملی و حتی فراملی، در باب افشاگری سیاسی عملکرد نهادهای بین‌المللی و گزینشی عمل کردن آن در مقابل جمهوری اسلامی ایران، همچون سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای از طریق برنامه‌سازی و مستندسازی و گزارش خبری» است که به‌خوبی با راهبرد فوق‌فعال، در مدیریت رسانه‌ای بحران و نظریه قدرت هوشمند مطابقت دارد.

واژگان کلیدی

راهبرد، مدیریت پوشش خبری، بحران انرژی هسته‌ای، قدرت هوشمند، سیمای برون‌مرزی ج.ا. ایران

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده ارتباطات دانشگاه صداوسیما تهران (نویسنده مسئول)

Email: sarabyfr@yahoo.fr

Email: aaaminpard@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۶

** دانشجوی دکترای مدیریت رسانه دانشکده خبر دانشگاه تهران مرکزی

تاریخ ارسال: ۹۴/۴/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال بیست و چهارم / شماره ۷۷ / زمستان ۱۳۹۴ / صص ۱۶۷-۱۴۹

جستار گشایی

دولت‌ها به‌منظور بقا و ادامه حیات سیاسی و حضور فعال در عرصه روابط بین‌الملل در قرن ۲۱ ناگزیر به استفاده حداکثری از ظرفیت رسانه‌های خود می‌باشند. به‌عبارت روشن‌تر، رسانه‌ها می‌توانند با عبور از مرزهای جغرافیایی و تأثیر بر نگرش انسان‌ها، رفتار سیاسی آنها را مطابق با میل و نظر صاحبان رسانه تغییر دهند و در کمتر از چند ثانیه علائم، اشارات سیاسی و پیام‌های دیپلماتیک را به اقصی نقاط دنیا ارسال کنند. همچنین رسانه‌ها می‌توانند دولت‌ها را وارد جنگ کنند، یا یک کشور را از مداخله نظامی در کشور دیگر بر حذر دارند و بحران‌های سیاسی را مدیریت کنند. با توجه به اینکه در عصر انفجار اطلاعات و ارتباطات به سر می‌بریم و در جامعه جهانی امروز روابط پیچیده قدرت، حاکمیت دولت‌ها را هرچه بیشتر کمرنگ کرده است نظریه قدرت هوشمند مطرح‌شده است. از دید نظریه‌پردازان، قدرت هوشمند در قرن ۲۱؛ «روایت قدرت هوشمند، در مورد پیشینه ساختن قدرت یا حفظ سلطه نیست. این روایت در مورد یافتن راه‌هایی برای ترکیب منابع و تبدیل آنها به راهبرد موفقیت‌آمیز در زمینه توزیع قدرت و ظهور دیگران است» (نای، ۱۳۹۰^۱: ۳۱۰). کشور ما نیز نیازمند سازوکار «قدرت هوشمند»، متناسب با سند چشم‌انداز خود است. طبق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، باید شاخص‌های الهام‌بخش بودن و مؤثر بودن جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام و تعامل سازنده و مؤثر در جهان محقق شود (کمیسیون چشم‌انداز و نخبگان مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹).

از آنجاکه در یک نگرش کلان، حصول به چنین موقعیتی، پیشاپیش مستلزم مطالعه و شناخت چالش‌های تأثیرگذار بر فرایند تبدیل ایران به قطب اقتصاد سیاسی و فرهنگی جهان اسلام و منطقه خاورمیانه است. بر این اساس، مهم‌ترین مسائل پیش روی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در شش محور عمده توضیح داد: ۱. توسعه ایران در چارچوب الگوی توسعه ایرانی اسلامی؛ ۲. نحوه تعامل ایران با محیط بیرونی (به‌ویژه در زمینه انرژی هسته‌ای)؛ ۳. بیداری اسلامی و خاورمیانه جدید در حال نضج؛ ۴. ساختار جدید موازنه قدرت در خاورمیانه؛ ۵. فشارهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل در قالب تحریم‌های اقتصادی و تجاری؛ ۶. رقابت‌های جهانی قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه در خاورمیانه (بازی بزرگ ژئوپلیتیک).

بر این اساس و در چارچوب اهداف و سند چشم‌انداز، رسانه ملی نیز باید به تدوین راهبردهای کارآمد و مؤثری در عرصه‌های شش‌گانه مزبور و به‌ویژه در عرصه سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اقدام کند. در اینجا نکته اساسی آن است که کارایی و اثربخشی رسانه

ملی در تمهید و تسهیل زمینه‌های حصول جمهوری اسلامی ایران به اهداف سند چشم‌انداز و مدیریت مسائل شش‌گانه بالا از جهتی در گرو میزان قدرت رسانه‌ای خود و به‌عبارت بهتر، قدرت هوشمند رسانه ملی است.

اساساً در چارچوب تفکر راهبردی اندیشمندان حوزه قدرت هوشمند در غرب (به‌ویژه جوزف نای) حصول به چنین قدرتی (هوشمند) متفاوت از روش و نظریه قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران است. به‌عبارت‌دیگر، نوعی تفاوت میان مبنا، منابع، اهداف و غایت قدرت هوشمند در اندیشه‌های راهبردی غرب و جمهوری اسلامی وجود دارد. این تفاوت را می‌توان این‌گونه نشان داد: از دیدگاه جوزف نای، الف) کشورهایی دارای قدرت نرم [در کنار قدرت سخت، در واقع قدرت هوشمند] خواهند بود که بر فرهنگ و اندیشه‌هایی مسلط می‌شوند که به هنجارهای غالب جهانی نزدیک‌ترند (امروزه این هنجارها بر لیبرالیسم، تکثرگرایی و استقلال حکومت تکیه دارند؛ ب) کشورهایی که بیشترین دسترسی را به راه‌های متعدد ارتباطاتی دارند و به همین علت بر شیوه چارچوب‌بندی مسائل [در عرصه سیاست جهانی] تأثیر بیشتری می‌گذارند و ج) کشورهایی که اعتبار آنها با عملکرد داخلی و بین‌المللیشان، افزایش می‌یابد. این ابعاد قدرت در عصر اطلاعات کنونی، از افزایش اهمیت قدرت هوشمند در مقایسه با مجموعه منابع قدرت حکایت دارد و مزیتی عمده برای ایالات‌متحده به حساب می‌آید» (نای، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

جمهوری اسلامی ایران قدرت خود را در تضاد با فرهنگ و اندیشه مسلط در جهان و در راستای قاعده نفی سبیل پایه‌ریزی کرده است. باوجود این، باید توجه داشت که غرب در کلیت خود (آمریکا و اروپا) در چارچوب تحریم‌های اعمال‌شده، درصدد محدود کردن دسترسی جمهوری اسلامی ایران به ابزارهای متعدد ارتباطاتی است. در نتیجه به دلیل محدودبودن ابزارهای ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در عرصه تبلیغات بین‌المللی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مکانیسم تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران، بهبود و تدقیق راهبردهای خود برای بهره‌برداری حداکثری از کمترین امکانات خود، به‌ویژه در حوزه رسانه‌ای است. لذا رسانه ملی ایران باید اعتبار خود را با عملکرد داخلی و بین‌المللی منظم‌تر و علمی‌تر افزایش دهد و تحقق این امر مستلزم تدوین راهبردهای کارا و مؤثر در عرصه‌های مختلف و به‌خصوص در زمینه مدیریت فشارهای جهانی مختلفی است که علیه جمهوری اسلامی اعمال شده و در جهت تشدید بحران در ایران است.

در چند سال اخیر، آمریکا و دولت‌های غربی، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ایران را بهانه قرار داده و سعی می‌کنند که از این موضوع سوءاستفاده کرده و از طرف نظام بین‌الملل، بحران سیاسی و چالشی عمیق بر نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل کنند. بی‌تردید رسانه

ملی باید در شرایط بحران‌های جامعه و به‌خصوص بحران‌های سیاسی مانند مسئله انرژی هسته‌ای که از سوی نظام بین‌الملل کشور ما را درگیر چالش‌هایی کرده، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و با توجه به سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران با هوشمندی، نه تنها چالش‌های ناشی از این فشارهای چندوجهی (روانی، سیاسی، اقتصادی و ...) را مدیریت کند، بلکه شرایط مزبور را به فرصتی برای نشان دادن حقانیت ایران در خارج و نیز نظام بین‌الملل تبدیل نماید.

۱. سیمای ج.ا.ا. کارآمدترین ابزار رسانه‌ای برای مدیریت رسانه‌ای بحران هسته‌ای (در مرحله پیش از بحران)

در مرحله پیش از بحران، کارکرد آموزشی و فرهنگ‌سازی رسانه‌ها بیشتر حائز اهمیت است. رسانه‌ها به‌واسطه برخورداری از کارکرد نظارت بر محیط و همچنین تفسیر (دومینیک، ۱۹۹۸) می‌توانند بحران‌های بالقوه و در حال شکل‌گیری را در محیط ملی شناسایی و به مسئولان و کارگزاران گوشزد کنند (روشندل‌اربطانی، ۱۳۸۷). با توجه به این مطلب: «بر ما اثبات شده است که تلویزیون می‌تواند حس همدردی و همدلی را در مخاطبان خود برانگیزد؛ فرایندی که می‌تواند نتایج مهم سیاسی در برداشته باشد». (دالگرن، ۱۳۸۹: ۱۱۶) در این مرحله، بهترین نقش را تلویزیون می‌تواند برعهده بگیرد؛ زیرا تلویزیون با تکیه بر تصویر قدرت آموزشی، تأثیرگذاری بالایی دارد.

بنابراین با توجه به نقش بی‌بدیل سیمای ج.ا.ا. در رسانه ملی، می‌توان سیمای (تلویزیون) را کارآمدترین ابزار رسانه ملی در تحقق اهداف خود، به‌ویژه اهداف سیاسی به‌شمار آورد. این تحقیق می‌کوشد، راهبردهای مطلوبی برای مدیریت هوشمند چالش‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی و روانی اروپا و آمریکا در حوزه مسائل هسته‌ای در مرحله پیش از بحران برای سیمای برون‌مرزی ج.ا.ا. ارائه دهد.

۲. سناریوهای میان‌مدت و بلندمدت چالش هسته‌ای ج.ا.ا.

قبل از ورود به‌عنوان و مسئله اصلی تحقیق، کوشیده‌ایم از طریق مصاحبه با کارشناسان و نخبگان روابط بین‌الملل و وزارت امور خارجه، واقعیت موجود فضای بین‌الملل را موردبررسی و تحلیل اولیه قرار دهیم. برای مثال، فرید زکریا در رابطه با دیپلماسی اوباما در قبال مناقشه هسته‌ای ایران می‌گوید: «با وجود شعارهایی که اوباما در طول مبارزه انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۸ با بوش در مورد تعامل با ایران به راه انداخت، برخی‌ها معتقدند بین رویکرد وی و دولت سابق آمریکا در برخورد با مسئله هسته‌ای ایران، تاکنون تفاوت چندانی وجود نداشته و سیاست هر دوی آنها در رابطه با برنامه هسته‌ای، اجبار این کشور به برچیدن تأسیسات هسته‌ای بوده

است» (زکریا، ۲۰۱۱). فضیلت نیز در این رابطه می‌گوید: «مهم‌ترین جهت‌گیری سیاست خارجی اوپاما بعد از روی کار آمدن، انتقاد از سیاست خارجی بوش به‌خصوص در مورد ایران است. در واقع، رویکرد بدیل سیاست خارجی اوپاما، توجه به سیاست چندجانبه‌گرایی و مبنا قراردادن قدرت هوشمند در حوزه سیاست خارجی است. دو اصل گفتگو و تعامل، شاخصه‌های رویکرد جدید آمریکاست». (فضیلت، ۱۳۹۲) به‌طور اکتشافی، سه سناریوی محتمل در مورد چالش هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌دست آمد.

۳. سناریوهای محتمل در مورد چالش هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

۱. نزاع نظامی؛

۲. استمرار تحریم‌ها (تداوم وضع موجود): الف) استمرار تحریم‌ها؛ ب) تشدید تحریم‌ها؛ ج) استمرار تحریم‌ها و اضافه کردن مسئله حقوق بشر به تحریم‌ها و د) تشدید تحریم‌ها و اضافه کردن مسئله حقوق بشر به تحریم‌ها.

۳. رفع تحریم‌ها (مصالحه با غرب): الف) برد- برد؛ ب) باخت- برد؛ ج) باخت- باخت و د) برد- باخت.

در این تحقیق برای تدوین راهبردهای کارا و اثربخش مدیریت رسانه‌ای بحران هسته‌ای با توجه به واقعیت موجود، نیاز به انتخاب یک سناریو از بین سناریوهای محتمل را داریم. با توجه به نتایج مصاحبه با کارشناسان و اسناد بالادستی؛ بر اساس واقعیت موجود، رویکرد آمریکا و اسرائیل در باب مسئله هسته‌ای ایران به شرح زیر است: «رویکرد فعلی اسرائیل در قبال موضوع هسته‌ای ایران در راستای دکترین هشدار/ راهبردی این است که اسرائیل در موضوع هسته‌ای ایران از فقدان عمق راهبردی رنج می‌برد، به همین دلیل، اسرائیل یک نوع ابراز نگرانی شدید نسبت به دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای و توسعه موشک‌های بالستیک دارد. اسرائیل ماهیت برنامه هسته‌ای ایران را صرفاً نظامی و با هدف نابودی اسرائیل می‌داند. تصور تهدید موجودیتی از جانب ایران، بنیان رویکرد اسرائیل نسبت به موضوع هسته‌ای ایران است.» (فضیلت، ۱۳۹۲)

آمریکا برخلاف اسرائیل مخالف اقدام نظامی علیه ایران است. در اینجا دو نکته در باره چرایی مخالفت آمریکا با رویکرد اسرائیل و اقدام نظامی را بیان می‌کنیم: ۱. اقدام نظامی در این مقطع جایگاه چندانی ندارد و موضوع هسته‌ای ایران از طریق سیاست گفتگو و تحریم، با کمترین هزینه قابل حل است. ۲. آمریکا نسبت به تبعات سنگین و ناخواسته اقدام نظامی علیه ایران به‌صورت یک‌جانبه یا مشترک نگران است و معتقد است که به دلیل برخی موانع، این اقدام ناکام خواهد ماند (فضیلت، ۱۳۹۲).

بنابراین سناریوی نخست نامحتمل به نظر می‌رسد و با توجه به رویکرد جدید غرب و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران سناریوی دوم نیز دور از انتظار به نظر می‌رسد، از این‌رو، در مقاله حاضر سناریوی سوم، یعنی سناریوی رفع تحریم‌ها را به‌عنوان سناریوی محتمل انتخاب می‌کنیم.

۴. تعریف مفاهیم

۴-۱. بحران

بحران‌ها موقعیت‌هایی هستند که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده هستند. در این مواقع هدف‌های برتر نهاد تصمیم‌گیرنده به خطر افتاده و زمان لازم برای پاسخ‌دهی و اجرای تصمیم‌های گرفته‌شده به شدت محدود می‌شود. وقوع چنین موقعیتی به سردرگمی و غافلگیری اعضای نهاد تصمیم‌گیرنده نیز منتهی می‌شود (Hermann, 1963).

۴-۲. تدوین راهبرد رسانه

تدوین راهبرد برای یک سازمان رسانه‌ای به این مفهوم است که ما برای سازمان راهبردهای (راهکارهای بلندمدت) رسانه‌ای کارا و مؤثری به‌منظور نیل به انجام بیانیه مأموریت سازمان رسانه‌ای ارائه می‌دهیم که این راهبردهای رسانه‌ای به روش زیر تدوین می‌شوند:

گام اول مرحله ورودی نامیده می‌شود، در این مرحله عوامل خارجی و داخلی سازمان رسانه‌ای مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار می‌گیرند و اطلاعات اصلی موردنیاز برای تدوین راهبردهای سازمان رسانه‌ای مشخص می‌شوند.

گام دوم مرحله مقایسه نامیده می‌شود، در این مرحله به انواع راهبردهای امکان‌پذیر توجه می‌شود و به همین منظور، بین عوامل خارجی و داخلی سازمان رسانه‌ای نوعی توازن و تعادل برقرار می‌گردد.

گام سوم: که آن را مرحله تصمیم‌گیری می‌نامند، از ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی استفاده می‌شود. در ماتریس مزبور از اطلاعات ارائه‌شده در مرحله نخست استفاده می‌شود تا بتوان انواع راهبردهای قابل اجرا را که در مرحله دوم شناسایی شده‌اند، به شیوه‌ای عینی و بدون اعمال نظر شخصی مورد ارزیابی و قضاوت قرار داد و راهبردهای متناسب با هدف‌های بلندمدت سازمان رسانه‌ای تعیین می‌شوند (دیوید، ۱۳۹۰: ۲۴).

۵. مسئله انرژی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

شورای امنیت در ژوئیه ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۶۹۶ را تصویب کرد که خواستار تعلیق غنی‌سازی اورانیوم در ایران بود. شورای امنیت در دسامبر همان سال قطعنامه ۱۷۳۷ را تصویب کرد که

بیشتر فعالیت‌های تجاری، مالی، صنایع موشکی و هسته‌ای ایران را بر اساس بند ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد، هدف قرار داده بود. این قطعنامه نخستین سند بین‌المللی حقوقی بود که فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و ثبات منطقه‌ای معرفی می‌کند. تهران با تأکید بر بند ۴ معاهده ان‌پی‌تی این اتهامات را غیرمستند می‌خواند و خواستار رفتار غیرتبعیضی با فعالیت‌های اتمی این کشور بود. گروه ۵+۱ در راستای ادامه فشار بر توقف برنامه اتمی ایران، قطعنامه‌های ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ را نیز تصویب کردند؛ بر اساس این قطعنامه‌ها محدودیت‌های مالی بر شرکت‌ها و افراد وابسته به سپاه پاسداران و سازمان انرژی اتمی افزایش یافته بود (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶: ۷۴-۱۱).

۵-۱. مدیریت پوشش خبری بحران

خبر به‌عنوان مهم‌ترین محصول سیاسی رسانه ملی، از لحاظ موضوعی، گستره عظیمی از موضوعات را دربرمی‌گیرد. شورای مدیران کل، عالی‌ترین شورا در حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری خبر، در واقع در مدیریت پوشش خبری در سیما است؛ با توجه به این، زمانی که بحرانی در جامعه روی می‌دهد، باعث می‌شود که اخبار با موضوعات سیاسی آمیخته گردد و حساسیت پوشش خبری تا حد بسیار زیادی افزایش یابد؛ زیرا حوزه سیاسی باید با سرعت وارد عرصه شود و بحران را به‌گونه‌ای پوشش خبری دهد که به کاهش آثار منفی آن کمک کند (نصرالهی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

۵-۲. راهبردهای رسانه‌ای مدیریت در بحران

الف. رسانه‌ها بر اساس اوضاع حاکم بر بحران، محیط پیرامونی آن و نیز بر اساس رسالت و خط‌مشی خود، یکی از دو راهبرد کلی را در خصوص بحران‌ها در پیش می‌گیرند: راهبردهای دوگانه: ۱. موافقت با بحران و ۲. مخالفت با بحران؛ ب. بر اساس نگرش مثبت و یا منفی مدیران نسبت به بحران راهبردهای چهارگانه زیر را به کار می‌برند: ۱. انفعالی، ۲. واکنشی، ۳. فعال^۳ و ۴. فوق‌فعال^۵ (نصرالهی، ۱۳۸۹: ۲۶۰).

-
- 2. Inactive
 - 3. Reactive
 - 4. Active
 - 5. Proactive

۶. نظریه‌های مربوط به موضوع تحقیق

۶-۱. نظریه مارپیچ مثبت و منفی رسانه‌ای

از آنجایی که در وضعیت بحرانی تفسیر رسانه‌ها از رویدادها بر نگرش‌های مردم تأثیر دارد، مسئله یا پرسش اساسی پیرامون شرایطی مطرح می‌شود که به مارپیچ منفی ارتباطات معروف است و آن اینکه آیا در چنین وضعیتی وحشت برآمده از رسانه، شرایط بحرانی را گسترش نمی‌دهد و آیا این وضعیت در فرایندهای رسانه‌ای که در واقع می‌توانند مسیر را برای ثبات اجتماعی - سیاسی هموار کنند، خللی ایجاد نمی‌کند؟ به عبارت دیگر اگر رسانه‌ها چنین اثری بر عامه داشته باشند، در کدام شرایط این مارپیچ ارتباطی بحران را شدت می‌بخشد و در کدام شرایط در استقرار و یا تقویت ثبات نقش ایفا می‌کند (ترزیس، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

لازمه درک بهتر نقش رسانه در دوران بحران این است که آن را تجلی و نمودی از شرایط کلی سیاسی - اجتماعی بدانیم. به عبارت دیگر، جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و محیط رسانه‌ای، یعنی «تعیین‌کننده‌های اساسی ژورنالیسم» را کشف کرده و مورد تحلیل قرار دهیم (ترزیس، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

۶-۲. نظریه تأثیر سی.ان.ان (CNN)

مهم‌ترین نقش‌های رسانه برخاسته از پوشش خبری بحران‌هایی است که تلویزیون‌های بین‌المللی به آن پرداخته‌اند و بدین شرح است: الف) نقش کنترل‌کننده، ب) نقش محدودکننده، ج) نقش مداخله‌گر، د) نقش ابزاری (گیلبوا، ۲۰۰۲: ۲۱۱-۱۹۳).

۶-۳. رسانه به عنوان عامل فشار (در سیاست خارجی)؛ سیاست بی‌وقفه

هرچند این مدعا که ارتباطات جهانی در حال تبدیل شدن به عاملی کنترل‌کننده در تدوین سیاست‌های مرتبط با منازعات بین‌المللی است، توسط شواهد کافی پشتیبانی نمی‌شود، اما مطمئناً بر بسیاری از ابعاد مهم سیاست خارجی و دیپلماسی تأثیرگذار است. به این ترتیب، ارتباطات جهانی می‌تواند بیشتر به عنوان عامل فشار عمل کند. فشار بدین معناست که در حقیقت، پوشش خبری جهانی می‌تواند فرایند سیاست‌گذاری را که در اصل وظیفه بوروکراسی حرفه‌ای است، منقطع کند و از آنجا رهبران می‌توانند به چپش مجدد اولویت‌ها اقدام کنند. رهبران احساس نمی‌کنند که به پیروی از سیاست خاصی مجبور شده‌اند که توسط رسانه‌ها، تقاضا شده یا از طریق پوشش خبری به آن اشاره شده است. اصولاً ارتباطات جهانی، از طریق سرعت بالای انتشار و انتقال اطلاعات بر فرآیند سیاست اعمال فشار می‌کند.

سرعت پیام‌های دیپلماتیک در قرن ۲۱، از هفته‌ها به دقیقه‌ها تغییر کرده است. سرعت افزون‌تر مبادلات دیپلماتیک در تلویزیون‌های جهانی، وضعیت عمدتاً دشواری را برای همه بازیگران دخیل در سیاست خارجی مانند رهبران سیاسی، کارشناسان، دیپلمات‌ها و روزنامه‌نگاران فراهم کرده است (گیلبوا، ۱۳۸۸).

۷. ماتریس تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط ضعف، نقاط قوت (SWOT)

آنالیز سوات یکی از ابزارهای راهبردی تطابق نقاط قوت و ضعف درون‌سازمانی با فرصت‌ها و تهدیدهای برون‌سازمانی است. سوات از ابتدای کلمات قوت،^۶ ضعف،^۷ فرصت^۸ و تهدید^۹ گرفته شده است. آنالیز سوات تحلیلی سیستماتیک برای شناسایی این عوامل و تدوین راهبرد که بهترین تطابق بین آنها را ایجاد می‌کند، ارائه می‌دهد. از دیدگاه این مدل، یک راهبرد مناسب قوت‌ها و فرصت‌ها را به پیشینه و ضعف‌ها و تهدیدها را به کمینه می‌رساند. برای این منظور، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در چهار حالت کلی SO، WO، ST و WT پیوند داده می‌شوند و گزینه‌های راهبردی از بین آنها انتخاب می‌شوند (دیوید، ۱۳۹۰: ۳۶۴).

تجزیه و تحلیل سوات، شناخت نظام‌یافته راهبردهایی است که بهترین ترکیب میان عوامل داخلی و خارجی سازمان را منعکس سازد. این تجزیه و تحلیل بر این منطق استوار است که راهبرد اثربخش، قوت‌ها و فرصت‌ها را پیشینه می‌کند، درعین حال که ضعف‌ها و تهدیدهای آن را به کمینه می‌رساند. این فرض ساده اگر به‌درستی اجرا شود، تأثیرات عمده‌ای بر انتخاب و طراحی راهبرد اثربخش خواهد داشت (اعرابی، ۱۳۸۵: ۵۵-۵۴).
در این تحقیق از نظریه‌های اصلی زیر استفاده می‌کنیم:

۱. نظریه قدرت هوشمند: جوزف نای، قدرت هوشمند در قرن ۲۱ را چنین بیان کرده است: «روایت قدرت هوشمند، در مورد پیشینه‌ساختن قدرت یا حفظ سلطه نیست. این روایت در مورد یافتن راه‌هایی برای ترکیب منابع و تبدیل آنها به راهبرد موفقیت‌آمیز در زمینه توزیع قدرت و ظهور دیگران است». (نای، ۱۳۹۰: ۳۱۰) درواقع، قدرت هوشمند ترکیب هوشمندانه منابع قدرت اعم از قدرت نرم و سخت است (نای، ۱۳۹۲: ۵۹).

۲. مدل پروانه‌ای نقش رسانه‌ها در مدیریت مرحله پیش از بحران: وقوع انواع بحران‌ها در جوامع امروزی و لطمات و آسیب‌های فراوان آنها باعث شده در چند دهه اخیر مدل‌های گوناگونی در حوزه مدیریت بحران ارائه گردد، اما معمولاً مرحله پیش از بحران در این مدل‌ها

-
- 6. Strength
 - 7. Weakness
 - 8. Opportunity
 - 9. Threat

مغفول واقع می‌شود. «مدل پروانه‌ای نقش رسانه‌ها در مدیریت مرحله پیش از بحران» به‌منظور بررسی نقش رسانه‌های جمعی به‌عنوان قدرتمندترین ابزار مدیریت افکار عمومی در مدیریت مرحله پیش از بحران طراحی شده است. بر اساس این مدل، رسانه‌ها در مدیریت مرحله پیش از بحران پنج کارکرد اصلی رصد و پایش محیط، آموزش، هدایت افکار عمومی، اطلاع‌رسانی و ایجاد همبستگی عمومی دارند. این مدل نشان می‌دهد، رسانه‌ها می‌توانند در مدیریت مرحله پیش از بحران نقش به‌سزایی داشته باشند.

روش انجام این تحقیق: روش تحقیق این پژوهش، کیفی است و از روش دلفی استفاده شده است. این تحقیق از طریق مصاحبه اولیه و پرسشنامه نیمه‌ساخت‌یافته صورت گرفته است که با طی مراحل سه‌گانه در مرحله نخست مصاحبه بر اساس پرسشنامه نیمه ساخت‌یافته و پرسش‌ها به‌صورت باز صورت گرفته و در اختیار کارشناسان این حوزه قرار داده شده است، پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها، با بررسی تأیید و تکرار موارد عنوان‌شده توسط کارشناسان، مأموریت و چشم‌انداز و مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای رسانه ملی در مدیریت پوشش خبری بحران هسته‌ای برای سیمای برون‌مرزی تعیین شده است. با توجه به اینکه داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه مرحله نخست بسیار زیاد و نامنسجم بوده، برای تهیه پرسشنامه مرحله دوم داده‌ها نیاز به طبقه‌بندی داشتند؛ بنابراین از مدل پروانه‌ای نقش رسانه‌ها در مدیریت پیش از بحران در این مرحله استفاده شده تا پرسشنامه مرحله دوم تهیه گردد. پرسشنامه مرحله دوم برای تعیین مهم‌ترین مأموریت و چشم‌انداز و مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدها از طریق اختصاص رتبه و ضریب، در اختیار گروه دلفی قرار داده شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه مرحله دوم و محاسبه امتیازات حاصل از رتبه و ضریب تعیین شده برای هر یک از موارد، میانگین امتیاز برای هر یک از نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدها به‌دست‌آمده و در ادامه راهبردهای مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای برای سیمای برون‌مرزی ج.ا.ا. (با تأکید بر زیرسیستم سیاسی بحران انرژی هسته‌ای در بُعد بین‌المللی در مرحله پیش از بحران و با تأکید بر سناریوی رفع تحریم‌ها) با استفاده از ماتریس تجزیه و تحلیل سوات به‌دست‌آمده است.

در پرسشنامه مرحله سوم از نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای به‌دست‌آمده از پرسشنامه مرحله نخست و راهبردهای به‌دست‌آمده از پرسشنامه مرحله دوم استفاده شده تا اولویت هر یک از راهبردها به‌دست آید. بدین منظور، پرسشنامه مرحله سوم تنظیم شد و به‌منظور اختصاص نمره جذابیت به هر یک از نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدها از طریق محاسبه میانگین نمرات اختصاص داده‌شده به هر یک از آنها به‌دست آمد و با توجه به

ضرایب به دست آمده در مرحله دوم، نمره جذابیت نهایی هر یک از موارد مورد نظر به دست آمد که با محاسبه جمع نمرات جذابیت نهایی برای هر یک از راهبردها، اولویت راهبردهای به دست آمده برای مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای برای سیمای برون مرزی جمهوری اسلامی ایران مشخص شد.

یافته‌های حاصل از این تحقیق به این شرح ارائه می‌شود:

- بنیانه مأموریت برای سیمای برون مرزی جمهوری اسلامی ایران در مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای: با توجه به سیاست‌های اعلام شده از طرف جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی برای مخاطبان خارجی و بیان مطالب ارشادی در زمینه مسئله هسته‌ای انجام شود. همچنین تحلیل چرایی مقاومت غرب در برابر پیوستن ایران اسلامی به کشورهای دارای فناوری هسته‌ای تبیین گردد. بدین ترتیب سیمای جمهوری اسلامی ایران با اطلاع‌رسانی صحیح، شفاف و کامل درباره مذاکرات هسته‌ای و آگاهی‌رسانی مستمر درباره علت لزوم دسترسی کشور به انرژی هسته‌ای با دعوت از متخصصان و دانشمندان رشته‌های مختلف و بهره‌گیری وسیع‌تر از کارشناسان خبره برای اقناع مخاطبان جهانی به افزایش اعتماد عمومی مخاطبان جهانی به مسئولان نظام کمک کنند.

- چشم‌انداز مطلوب برای سیمای برون مرزی ج.ا.ا. در مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای عبارت است از: حرکت در راستای چشم‌انداز ۱۴۰۴ که در آن بر روی برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران اسلامی تأکید شده است. سازمان‌دهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان. تقویت نهضت نرم‌افزاری و ترویج پژوهش. کسب فناوری، به‌ویژه فناوری‌های نو، شامل ریز فناوری و فناوری‌های زیستی، اطلاعات و ارتباطات، زیست‌محیطی، هوافضا و هسته‌ای و نیز ایفای نقش واسطه‌تعامل میان مردم جهان و مسئولان در خصوص موضوع هسته‌ای و انتقال متقابل پیام‌ها به‌طور شفاف.

- **اهداف مطلوب** برای سیمای برون مرزی ج.ا.ا. در مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای عبارت هستند از:

۱. اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی برای مخاطبان جهانی، در باب بیانات رهبر انقلاب مثل «ما تا این لحظه هیچ تعهد بین‌المللی را نقض نکرده‌ایم؛ هیچ تفاهم‌نامه و موافقت‌نامه دوجانبه یا چندجانبه‌ای را نقض نکرده‌ایم؛ ما خیلی منطقی و آرام با مدارا پیش رفته‌ایم؛ اما از اول هم گفته‌ایم، حالا هم تکرار می‌کنیم از یک‌سو تحمل زورگویی و باج‌گیری از ملت ایران را از هیچ‌کس قبول نمی‌کنیم (۸۴/۵/۲۸)»؛

۲. رسیدن به شرایطی از تفوق رسانه‌ای که فشار رسانه‌ای و عملیات روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به شکل صحیح مدیریت و خنثی کرده و از روی اجبار متوقف شود؛
 ۳. اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در باره دستاوردهای انقلاب به‌ویژه دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و در نتیجه این اقدام، مشروعیت سیاست‌های نظام به حداکثر رسیده، افکار عمومی خارجی و جوّ بین‌المللی به نفع جمهوری اسلامی ایران خواهد بود؛
 ۴. جلب افکار عمومی جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه‌ای از طریق شبکه‌های برون‌مرزی، مبتنی بر حقانیت جمهوری اسلامی در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای.
- مهم‌ترین نقاط قوت** برای سیمای برون‌مرزی ج.ا.ا در مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای که عبارتند از:
۱. تأکید بر گفتمان صلح‌آمیزبودن فعالیت‌های هسته‌ای و حرمت ساخت بمب هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران، در شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی ج.ا.ا؛
 ۲. حرکت به سمت اشتراک فکری در مورد تبدیل موضوع هسته‌ای به موضوعی فراجناحی، ملی و حتی فراملی در سیمای ج.ا.ا؛
 ۳. تلاش به‌سوی پیوند مفهومی میان اقدامات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گفتمان انقلاب اسلامی و دال‌های اصلی و فرعی آن؛
 ۴. داشتن تعداد قابل‌توجه شبکه تلویزیونی برون‌مرزی؛
 ۵. وجود منابع انسانی جوان با استعداد و توانمند، آگاه به موضوع مدیریت رسانه‌ای چالش هسته‌ای برای برنامه‌سازی؛
 ۶. امکانات مالی و بودجه‌ای مناسب برای پرداختن به موضوع هسته‌ای در برنامه‌های سیمای برون‌مرزی.
- مهم‌ترین نقاط ضعف** برای سیمای برون‌مرزی ج.ا.ا در مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای عبارت‌اند از:
۱. عدم اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع در مورد پیامدهای ناشی از مقاومت در حوزه هسته‌ای نظیر تحریم‌ها و فشارها؛
 ۲. تأخیر در اطلاع‌رسانی و عقب‌ماندن از رسانه‌های خارجی در مواقع بحران؛
 ۳. مقطعی و نوسانی‌بودن برنامه‌های تبیینی و تبلیغی و عدم تداوم برنامه‌های منطقی در باره مسئله هسته‌ای؛

۴. فقدان اطلاع‌رسانی دقیق و مناسب سیمای برون‌مرزی در باره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مقررات ان‌پی‌تی، برای نشان دادن اینکه کشورمان تاکنون تخلفی از مقررات آن نداشته است؛

۵. عدم پیوستگی در جریان‌سازی تبلیغاتی و رسانه‌ای در مورد حق هسته‌ای و انفعالی عمل کردن در استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای؛

۶. فقدان پژوهش محوری در برنامه‌های مرتبط با مسئله هسته‌ای.

- **مهم‌ترین فرصت‌ها** برای سیمای برون‌مرزی ج.ا.ا در مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای عبارتند از:

۱. وجود دانشمندان و سیاستمدارانی در سطح دنیا که از حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند همانند کنت والتز، ریچارد فالک و میرشامیر.

۲. بر سر کار بودن دولتی قوی با مواضع روشن در زمینه هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران؛

۳. برخورداری یا امکان دسترسی به عالی‌ترین نیروی انسانی کیفی برای تولید محتوای متناسب با نیازهای اقشار مختلف؛

۴. وجود کارشناسان و متخصصان علاقه‌مند به همکاری در جامعه دانشگاهی و سازمان‌های مختلف در باب مسئله هسته‌ای؛

۵. ریاست دوره‌ای ج.ا.ا در جنبش عدم تعهد (NAM) و جلب حمایت حکومتی و رسانه‌ای کشورهای عضو از حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای؛

۶. استفاده بهینه از تناقض‌گویی‌ها و اختلاف آمریکا و اسرائیل و نیز اتحادیه اروپا در باب مسئله هسته‌ای ایران.

- **مهم‌ترین تهدیدها** برای سیمای برون‌مرزی ج.ا.ا در مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای عبارتند از:

۱. تشدید بحران سوریه و تأثیر آن بر روند بحران‌سازی و تنش‌آفرینی رسانه‌ای غرب به رهبری آمریکا در باب مسئله هسته‌ای ج.ا.ا؛

۲. فقدان عملکرد مناسب سیمای در قبال سیاسی و گزینشی عمل کردن نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در مقابل جمهوری اسلامی ایران؛

۳. مسئله افول سرمایه اجتماعی رسانه ملی در جامعه جهانی و بی‌اعتمادی مردم جهان به رسانه ملی در باب مسئله هسته‌ای؛

۴. رسانه‌های معاند که به‌ظاهر برای حفظ منافع مردمی و علیه امور انرژی هسته‌ای ایران فعالیت می‌کنند؛

۵. از دست‌دادن محوریت و مرجعیت جریان‌سازی و اطلاع‌رسانی در مورد موضوع هسته‌ای و واگذاری میدان به رقا و دشمنان؛

۶. عدم امکان سیگنال‌رسانی جهانی و قطع ارتباطات رسانه‌ای (ماهواره، اینترنت) به دلایل واہی.

- با توجه به امتیازات عوامل داخلی و خارجی گروه دلفی **راهبردهای ارجح**، راهبردهای رقابتی تشخیص داده شدند: در نگاره زیر به‌خوبی امتیاز راهبردهای رقابتی قابل‌مشاهده است؛ (عدد ۲/۵ عدد مبدأ است؛ بدین معنی که چنانچه جمع امتیازات قوت‌ها و فرصت‌ها یا ضعف‌ها و تهدیدها بیش از این عدد شود، قوت‌ها و یا فرصت‌های واحد مورد بررسی بیشتر و چنانچه کمتر از این عدد گردد، بدان معنی است که ضعف‌ها یا تهدیدهای واحد مورد بررسی بیشتر می‌باشند) (اعرابی، ۱۳۸۵: ۵۶).

| | |
|---------------|---|
| محافظة کارانه | تهاجمی |
| تدافعی | $(x=2/6956 \text{ و } y=2/231) * \text{رقابتی}$ |

۴ امتیاز

۲/۵ عوامل خارجی ۱ (y) ۴ ۲/۵ ۱ امتیاز عوامل داخلی (x)

راهبردهای رقابتی عبارت‌اند از:

۱. رصد هوشمندانه بازیگران بحران‌ساز در منطقه به رهبری آمریکا و تشریح وقایع سوریه و افشاگری بحران‌سازی و تنش‌آفرینی رسانه‌ای غرب بر اساس ادعاهای کذب به رهبری آمریکا. در مرحله بعد تبیین مواضع منطقی و اصولی جمهوری اسلامی ایران در مورد گفتمان صلح‌آمیزبودن فعالیت‌های هسته‌ای و حرمت ساخت بمب هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران و عضویت ایران در ان‌پی‌تی از طریق برنامه‌سازی، مستندسازی و گزارش‌های خبری برای شبکه‌های برون‌مرزی و فضای مجازی؛

۲. فرهنگ‌سازی در مورد تبدیل موضوع هسته‌ای به موضوعی فراجناحی، ملی و حتی فراملی از طریق برنامه‌سازی و مستندسازی و گزارش خبری؛ به منظور افشاگری سیاسی‌کاری و گزینشی عمل کردن نهادی بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای؛

۳. ایجاد پیوند مفهومی میان تلاش‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گفتمان انقلاب اسلامی و دال‌های اصلی و فرعی آن در برنامه‌های سیما در جهت افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم جهان به رسانه ملی در جامعه بین‌الملل در باب مسئله هسته‌ای؛

۴. افشاگری انحراف رسانه‌های معاند، از سیاست‌های کلان نظام در باب مسئله هسته‌ای که به‌ظاهر برای حفظ منافع مردمی و علیه امور انرژی هسته‌ای ایران فعالیت می‌کنند و نشان‌دادن چهره واقعی این رسانه‌ها برای مردم جهان.

- **اولویت‌بندی راهبردهای رقابتی برای سیمای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران** در مدیریت پوشش خبری بحران انرژی هسته‌ای (با تأکید بر زیرسیستم سیاسی بحران انرژی هسته‌ای در بُعد بین‌المللی در مرحله پیش از بحران و با تأکید بر سناریوی رفع تحریم‌ها) بر اساس میزان جذابیت آنها با توجه به پاسخ‌های گروه دلفی که در نگاره زیر آمده، بدین ترتیب است:

| اولویت‌ها | راهبردها | جمع مجموع نمره جذابیت |
|--------------|--------------|-----------------------|
| اولویت اول | راهبرد دوم | ۴/۵۷۸ |
| اولویت دوم | راهبرد سوم | ۴/۳۴۴ |
| اولویت سوم | راهبرد اول | ۴/۳۲۷ |
| اولویت چهارم | راهبرد چهارم | ۳/۴۸۸ |

۸. **اولویت راهبردهای مطلوب مدیریت پوشش خبری بحران هسته‌ای برای سیمای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران**

اولویت یکم. فرهنگ‌سازی در مورد تبدیل موضوع هسته‌ای به موضوعی فراجناحی، ملی و حتی فراملی از طریق برنامه‌سازی و مستندسازی و گزارش خبری به منظور افشاگری سیاسی کاری و گزینشی کردن نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای؛

اولویت دوم. ایجاد پیوند مفهومی میان تلاش‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گفتمان انقلاب اسلامی و دال‌های اصلی و فرعی آن در برنامه‌های سیما در جهت افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم جهان به رسانه ملی در جامعه بین‌الملل در باب مسئله هسته‌ای؛

اولویت سوم. رصد هوشمندانه بازیگران بحران‌ساز در منطقه و تشریح وقایع سوریه و افشاگری بحران‌سازی و تنش‌آفرینی رسانه‌ای غرب بر اساس ادعاهای کذب به رهبری آمریکا. در مرحله بعد تبیین مواضع منطقی و اصولی جمهوری اسلامی ایران در مورد گفتمان، صلح‌آمیزبودن فعالیت‌های هسته‌ای و حرمت ساخت بمب هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران و

عضویت ایران در ان‌پی‌تی از طریق برنامه‌سازی، مستندسازی و گزارش‌های خبری برای شبکه‌های برون‌مرزی و فضای مجازی؛

اولویت چهارم. افشاگری انحراف رسانه‌های معاند، از سیاست‌های کلان نظام در باب مسئله هسته‌ای که به‌ظاهر برای حفظ منافع مردمی و علیه امور انرژی هسته‌ای ایران فعالیت می‌کنند و نشان‌دادن چهره واقعی این رسانه‌ها برای مردم جهان.

فرجام

۱. یافته‌های این تحقیق و به‌طور مشخص، راهبرد «فرهنگ‌سازی در مورد تبدیل موضوع هسته‌ای به موضوعی فراجناحی، ملی و حتی فراملی؛ در باب افشاگری سیاسی عمل کردن نهادهای بین‌المللی، گزینشی عمل کردن این نهادها در مقابل جمهوری اسلامی ایران همچون سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای؛ از طریق برنامه‌سازی، مستندسازی و گزارش خبری» و نیز هدف «جلب افکار عمومی جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه‌ای از طریق رسانه‌های ملی و کشورهای دوست مبنی بر حقانیت جمهوری اسلامی در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای»، به‌دست‌آمده از داده‌های گروه دلفی (جامعه‌نخبگانی) بر اساس نظریه مارپیچ مثبت و منفی رسانه‌ای و مدل پروانه‌ای نقش رسانه‌ها در مدیریت پیش از بحران و نظریه قدرت هوشمند قابل تفسیر است که با توجه به این راهبرد و هدف، سیمای برون‌مرزی نباید با استفاده از یک جناح و بیان دیدگاه‌های تکراری و بدون دلیل و عدم اطلاع‌رسانی شفاف در باب مسئله هسته‌ای در شبکه‌های برون‌مرزی در مارپیچ منفی رسانه‌ای در مرحله پیش از بحران گرفتار شده و با این کار اعتماد مخاطب را نسبت به خود کاهش دهد. بلکه باید با اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع در مورد پیامدهای ناشی از مقاومت در حوزه هسته‌ای نظیر تحریم‌ها، فشارها و دستاوردهای غیرقابل‌انکار جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تبیین این موضوع با استفاده از افشاگری سیاسی کاری و گزینشی عمل کردن نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و نیز دانشمندان و سیاستمدارانی در سطح دنیا که از حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند همانند کنت والتز، ریچارد فالک، میرشامیر و نیز مسئله مهار اسرائیل، با قرار گرفتن در مارپیچ مثبت رسانه‌ای به هدف کاهش تنش و تا حد ممکن، جلوگیری از تأثیرات منفی تعارضات سیاسی و اقتصادی ناشی از تحریم‌های غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به خاطر دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نزدیک شود.

نتیجه ترکیب این راهبرد و هدف به‌خوبی با کارکرد هدایت افکار عمومی (مرحله پیشگیری) و ویژگی مخاطب‌محور بودن رسانه در مدل پروانه‌ای نقش رسانه‌ها در مدیریت پیش از بحران

مطابقت دارد، سیمای برون‌مرزی با هدایت افکار عمومی برای ایجاد فضای آرام در جامعه بین‌الملل و عاری از تنش با جلب اعتماد مخاطبان بین‌المللی کمک می‌کند. در نهایت، سیمای برون‌مرزی با مینا قرار دادن قدرت هوشمند در حوزه سیاست رسانه‌های خارجی، با گفتگو و تعامل و رساندن صدای جمهوری اسلامی ایران به ملت‌های جهان، به جلب افکار عمومی جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه‌ای از طریق رسانه‌های ملی و کشورهای دوست مبنی بر حقانیت جمهوری اسلامی در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای خواهد پرداخت.

۲. یافته‌های این تحقیق و به‌طور مشخص، راهبرد «رصد هوشمندانه بازیگران بحران‌ساز در منطقه به رهبری آمریکا و افشاگری بحران‌سازی و تنش‌آفرینی رسانه‌های غرب بر اساس ادعاهای کذب. در مرحله بعد تبیین مواضع منطقی و اصولی ج.ا.ا. در مورد گفتمان صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای و حرمت ساخت بمب هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران و عضویت ایران در ان‌پی‌تی از طریق برنامه‌سازی، مستندسازی و گزارش‌های خبری برای شبکه‌های برون‌مرزی و فضای مجازی» و هدف «رسیدن به شرایطی از تفوق رسانه‌ای است که فشار رسانه‌ای و عملیات روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به شکل صحیح مدیریت و خنثی و لاجرم از روی اجبار متوقف گردد»، به‌دست آمده از داده‌های گروه دلفی (جامعه‌نخبگانی) بر اساس نظریه تأثیر سی.ان.ان و نظریه رسانه به‌عنوان عامل فشار (در سیاست خارجی) و همچنین مدل پروانه‌ای نقش رسانه‌ها در مدیریت پیش از بحران و نظریه قدرت هوشمند قابل تفسیر است که با توجه به راهبرد بالا، رصد هوشمندانه بازیگران بحران‌ساز با کارکرد پایش و رصد محیطی (مرحله پیش‌بینی) مدل پروانه‌ای نقش رسانه‌ها در مدیریت پیش از بحران یعنی رصد تیزبینانه تحولات و رصد هوشمندانه بازیگران بحران‌ساز به‌خوبی مطابقت دارد؛ اما برای رصد هوشمندانه بازیگران بحران‌ساز در منطقه و افشاگری بحران‌سازی و تنش‌آفرینی رسانه‌های غرب بر اساس ادعاهای کذب، نیاز به شناخت همه‌جانبه، شیوه تأثیرگذاری رسانه‌های آمریکا داریم.

برای تحقق این امر، نظریه تأثیر سی.ان.ان یعنی شناخت کافی از چهار کارکرد کنترل‌کننده، محدودکننده، مداخله‌گر و ابزاری رسانه‌های آمریکا در پوشش خبری بحران و همچنین شناخت کافی نظریه رسانه به‌عنوان عامل فشار (در سیاست خارجی) در مورد رسانه‌های غربی و آمریکا به ما کمک می‌کند. در گام دوم راهبرد، تبیین مواضع منطقی و اصولی رهبر انقلاب در مورد گفتمان صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای و حرمت ساخت بمب هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران و عضویت ایران در ان‌پی‌تی از طریق برنامه‌سازی، مستندسازی و گزارش‌های خبری به‌وسیله شبکه‌های برون‌مرزی و فضای مجازی آورده شده که

با کارکرد اطلاع‌رسانی رسانه (مرحله ایجاد آمادگی برای بحران) مدل پروانه‌ای نقش رسانه‌ها در مدیریت پیش از بحران؛ یعنی دروازه‌بانی هوشمند و اطلاع‌رسانی دقیق و بهنگام مطابقت دارد. برای تحقق هدف بالا، یعنی اینکه صداوسیما برون‌مرزی به شرايطی از تفوق رسانه‌ای برسد که فشار رسانه‌ای و عملیات روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به شکل صحیح مدیریت و خنثی و لاجرم از روی اجبار متوقف شود، نیز نیاز به شناخت نظریه تأثیر سی.ان.ان یعنی شناخت چهار کارکرد کنترل‌کننده، محدودکننده، مداخله‌گر و ابزاری رسانه‌های آمریکا در پوشش خبری بحران و همچنین شناخت کافی از نظریه رسانه به‌عنوان عامل فشار (در سیاست خارجی) در مورد رسانه‌های غربی و آمریکا به‌خوبی احساس می‌شود. در نهایت سیمای برون‌مرزی با مبنا قراردادن قدرت هوشمند در حوزه سیاست رسانه‌ای خارجی، با گفتگو و تعامل با ملت‌های جهان و تبیین مواضع منطقی و اصولی ولی امر مسلمین در مورد گفتمان صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای و حرمت ساخت بمب هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران و عضویت ایران در ان‌پی‌تی از طریق برنامه‌سازی، مستندسازی و گزارش‌های خبری برای شبکه‌های برون‌مرزی و فضای مجازی، برای رسیدن به شرايطی از تفوق رسانه‌ای که فشار رسانه‌ای و عملیات روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به شکل صحیح مدیریت و خنثی و لاجرم از روی اجبار متوقف شود، گام بر خواهد داشت.

منابع فارسی

- اعرابی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، *دستنامه برنامه‌ریزی استراتژیک*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- احراری، ابراهیم (۱۳۸۴)، «راهبردهای رسانه‌ای برای پیشگیری از بحران»، *فصلنامه پژوهش و سنجش*، سال ۱۲، شماره ۴۲ و ۴۳.
- ترزیس، جرج (۱۳۸۴)، «نقش رسانه‌ها در دوران بحران»، (مترجم عباس محمدی شکیبا)، *فصلنامه پژوهش و سنجش*، سال ۱۲، شماره ۴۲ و ۴۳.
- دالگرن، پیتر (۱۳۸۹)، *تلویزیون و گستره عمومی: جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی*، (ترجمه: مهدی شفقتی)، تهران: سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما ج.ا.
- دیوید، فرد آر. (۱۳۹۰)، *مدیریت استراتژیک*، چاپ بیست‌ویکم، (مترجم علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- روشندل ارتباطی، طاهر (۱۳۸۷)، «نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، شماره ۵۵، سال پانزدهم.
- فضیلت، احمد (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی رویکردهای آمریکا و اسرائیل در قبال موضوع هسته‌ای ایران (۲۰۱۲-۲۰۰۸)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

کمیسیون چشم‌انداز و امور نخبگان (۱۳۸۹)، *شاخص‌های پایش و ارزیابی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام کمیسیون چشم‌انداز و نخبگان.

گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۶)، *پرونده هسته‌ای ایران؛ روندها و نظرها*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

گیلبوا، ایتان (۱۳۸۸)، *ارتباطات جهانی و سیاست خارجی*، (ترجمه: حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

محمدی، منوچهر (۱۳۸۹)، *آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.

نای، جوزف اس. (۱۳۹۰)، *آینده قدرت*، (ترجمه: رضا مراد صحرایی)، تهران: حروفیه.

نای، جوزف اس. (۱۳۸۷)، *قدرت در عصر اطلاعات؛ از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن*، چاپ اول، (مترجم سعید میرترابی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نای، جوزف اس و رابرت پاپ (۱۳۹۲)، *قدرت و موازنه نرم در سیاست بین‌الملل*، (ترجمه: عسگر قهرمانپور)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نصرالهی، اکبر (۱۳۸۹)، *مدیریت پژوهش خبری بحران در رسانه‌های حرفه‌ای*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

منابع لاتین

- Dominick, J.R. (1998), *A Strategic Approach to Management Crisis*, N.Y.: McGraw-Hill Publication.
- Gilboa, e. (Ed) (2002), *Media and Conflict: Framing Issues, Making Policy, Shaping Opinions*, Ardsley, NY: *Translational Publishers*.
- Hermann, C.F (1963), *Some Consequences of Crisis*, Administrative Science Quarterly.
- Zakaria, Fareed (October 27, 2011); "To deal with Irans nuclear future, go back to 2008", <http://www.newsweek.com/>



پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار